

بن‌مایه‌های فولکلوریک در طومارهای نقالان

فرخ حاجیانی^۱ اکبر صیادکوه^۲ انسیه هاشمی قلاتی^{۳*}

(تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۱۳، تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۲۸)

چکیده

بررسی و مطالعه طومارهای نقالی به‌عنوان بخشی مکتوب از سنت حماسی-روایی-شفاهی ایران‌زمین با آن حجم انبوه و پیچیده قصه‌ها گاه دشوار می‌نماید؛ اما تجزیه این متون به بن‌مایه‌های سازنده‌شان، زمینه را برای مطالعه روشمند آن‌ها، بررسی‌های درون‌متنی و نقد و ارزیابی مضمون‌ها هموار می‌سازد.

با استفاده از فهرست جهانی طبقه‌بندی بن‌مایه‌های روایات عامه، چارچوبی فراهم می‌آید تا بن‌مایه‌های طومارها دسته‌بندی و فهرست شوند. این فهرست سبب دسترسی آسان‌تر به هر بن‌مایه در روایات مختلف، ریشه‌یابی، بررسی سیر تطور، تکامل، تأثیرپذیری و بقای هر بن‌مایه در دوره‌های مختلف و نیز مطالعات تطبیقی روایت‌ها می‌شود و بستر مطالعه تحلیلی طومارها را با توجه به بن‌مایه‌های موجود در آن‌ها فراهم می‌آورد.

هدف این مقاله نشان‌دادن انطباق فهرست جهانی بن‌مایه‌ها با روایات عامه فارسی، به‌ویژه روایات حماسی عامه و شیوه‌ای از تحلیل متون طوماری است. این پژوهش با فهرست‌کردن بن‌مایه‌های داستان هفت‌خان رستم از طومار *هفت‌شکر* می‌کوشد تا انطباق

۱. دانشیار فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه شیراز

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

الگوی فهرست بن‌مایه‌ها را بر روایات ایرانی نشان دهد و با تحلیل برخی بن‌مایه‌های موجود، ویژگی‌هایی هرچند اندک از طومارهای نقالی را به‌عنوان پاره‌ای از روایات عامه فارسی آشکار سازد و نیز با یافتن بن‌مایه‌هایی نو، غنای فرهنگ، ادب و سنت شفاهی ایران را روشن نماید. این شیوه فهرست‌کردن می‌تواند به منزله الگویی برای تمام روایات شفاهی باشد تا از این طریق به حجم عظیم قصه‌ها سامانی داده شود و دسترسی آسان‌تر به محتوای آن‌ها فراهم آید.

واژه‌های کلیدی: طومار، حماسه عامه، فهرست بن‌مایه‌ها، *هفت‌شکر*، هفت‌خان.

۱. مقدمه

محمد بن اسحاق گوید: فارسیان اول تصنیف‌کنندگان اولین افسانه بوده، و آن را به صورت کتاب درآورده و در خزانه‌های خود نگاهداری و آن را از زبان حیوانات نقل و حکایت می‌نمودند و پس از آن پادشاهان اشکانی - که دومین سلسله پادشاهان ایران‌اند - آن را به صورت اغراق‌آمیزی درآورده و نیز چیزها بر آن افزوده، و عربان آن را به زبان خود گردانده و فصحا و بلغای عرب، شاخ و برگ‌هایش را زده و با بهترین شکلی به‌رشته تحریر درآوردند و در همان زمینه و معانی کتاب‌هایی تألیف کردند. اولین کتابی که در این معنا تألیف شده، کتاب *هزار افسانه* به معنی هزار خرافات است (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۵۳۹-۵۴۰).

درباره تاریخ به‌کتابت درآمدن داستان‌های شاهان و پهلوانان ایران و در تأیید سخنان

محمد بن اسحاق، هویسه^۱ (۲۰۰۸: ۱۵۱) نیز نظری مشابه ارائه می‌دهد:

به نظر می‌رسد که ساسانیان آغازکننده جمع‌آوری افسانه‌هایی باستانی بودند که در طول قرن‌ها به دست گوسانان و یا از طریق حافظه جمعی منتقل شده بود (در زمان یزگرد دوم) و مجموعه‌ای را پایه‌گذاری کردند که احتمالاً زیر نظر خسرو اول، اولین ویرایش آن آماده شد و نهایتاً در زمان خسرو دوم و یزگرد سوم با افزوده‌هایی دیگر دوباره ویرایش گردید. این کتاب نو مشهور است به *خدای نامگ*. گوسانان، این راویان داستان‌های رزمی و بزمی، با نوای ساز و به همراه آواز قصه‌های دلکشی را احتمالاً چه در دربار شاهان و چه در میان مردم عامه، روایت می‌کرده‌اند. بعدها، در دوره‌های اسلامی، وظیفه گوسانان را در انتقال روایات عامه، نقالان روایات حماسی برعهده گرفتند.

آنچه نقالان برای مردم روایت می‌کرده‌اند، چه برگرفته از داستان‌های **شاهنامه** و چه نقلی از دیگر روایات حماسی ایران‌زمین، گاه به صورت دست‌نوشته‌هایی به کتابت درمی‌آمد که گرچه الزاماً به شکل طومار (کاغذ درنوردیده‌شده) نبود، طومار نقالی نامیده می‌شد.

این طومارها نقش مهمی در سنت نقالی برعهده داشتند. آنان عناصر داستانی، از ساختار داستان گرفته تا نام شخصیت‌های دست دوم قصه‌ها را نگهداری و منتقل می‌کردند. علاوه‌براین، طومارها با فراهم‌آوردن دستورالعملی رسمی که چگونگی گسترش داستانی آشنا را به مجموعه‌ای از اجراهای شفاهی آموزش می‌داد، ثباتی را میان قصه‌گویان تازه‌کار و درجه دو، به‌وجود می‌آوردند و نیز لذت شنوندگان را از شنیدن این داستان‌ها تضمین می‌نمودند (پاماموتو، ۲۰۱۰: ۲۵۲).

طومارهای نقالی بخش نسبتاً مهمی از ادب عامه ایران‌زمین به‌شمار می‌آیند؛ اما متأسفانه به‌سبب عامه‌بودن این میراث مکتوب ارزشمند، ادبا و پژوهشگران کمتر به آن توجه کرده‌اند؛ درحالی‌که

مطالعه این طومارها از نظر تحقیق در حماسه ملی و روشن‌کردن جزئیات و گوشه‌های تاریک آن، اهمیت بسیار دارد و اگر محققان فرهنگ عامه آن‌ها را مورد توجه قرار دهند، شک نیست که در این پژوهش به مقداری از روایت‌های اصیل و کهن حماسه ملی دست خواهند یافت و بدین‌وسیله بسیاری از مسائل روشن خواهد شد و نیز ممکن است صورت‌هایی دیگر و روایت‌هایی تازه از داستان‌های معروف حماسی به‌دست آید (محجوب، ۱۳۸۷: ۱۱۱۳).

با بررسی و طبقه‌بندی بن‌مایه‌های طومارهای نقالی می‌توان ویژگی‌های سبکی-زبانی قصه‌های موجود در طومارها را وصف و تحلیل کرد، روایات مختلف قصه‌های عامه حماسی را با یکدیگر مقایسه و عناصر دخیل در آن‌ها را معرفی کرد؛ درنتیجه روشن خواهد شد که چه نوع قصه‌هایی و با چه نوع بن‌مایه‌هایی در هسته حماسی روایات شکل گرفته‌اند و طرح داستانی این قصه‌های حماسی چگونه است. این بررسی ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که خصایل و خوی قهرمانانی که در ادب کلاسیک با آن‌ها آشنا هستیم، در قصه‌های عامه حماسی چگونه است. همین امر اهمیت فهرست‌بندی بن‌مایه‌ها را در طومارهای نقالی آشکار می‌سازد.

بررسی طومارها با آن حجم عظیم داستان‌ها و قصه‌های عامه برای دست‌یافتن به یک داستان و روایت خاص، کاری بس دشوار است؛ بنابراین یکی از راه‌های دستیابی به روایات حماسی مختلف، طبقه‌بندی بن‌مایه‌های داستانی آنهاست. «توجه به این‌گونه فهرست‌ها و طبقه‌بندی‌ها به‌عنوان پیش‌نیازی برای شرح و تفسیر قصه‌ها، لازم به‌نظر می‌رسد. به‌علاوه، فهرستی ویژه برای هر فرهنگ یا کشوری می‌تواند راهنمای مطالعات میدانی [باشد] و یا فهرستی جامع را برای پژوهشگران آینده فراهم آورد» (داندس، ۱۹۹۷: ۲۰۰).

پرسشی که اینجا مطرح می‌شود این است که تحلیل متون طوماری براساس بن‌مایه‌های فهرست‌شده آن‌ها تا چه حد امکان‌پذیر است؟ این مقاله می‌کوشد تا با ارائه مثالی، ابتدا چگونگی فهرست‌کردن بن‌مایه‌ها، سپس امکان نقد و ارزیابی روایات موجود در طومارها را با توجه به بن‌مایه‌های طبقه‌بندی‌شده، نشان دهد تا از این طریق، شیوه‌ای روشمند برای تحلیل ویژگی‌های بخشی از سنت شفاهی فارسی سامان یابد و راهی برای پژوهش‌های آینده در این زمینه گشوده شود.

۲. پیشینه پژوهش

از آن‌جا که در زمینه استخراج و فهرست‌کردن بن‌مایه‌های ادبیات عامه، به‌طور اعم و نیز طومارهای نقالی به‌طور اخص، تا به امروز پژوهشی مستقل صورت نگرفته است، شاید بتوان تنها به کتاب ارزشمند مارزلف اشاره کرد که در زمینه ادبیات عامه ایران به طبقه‌بندی‌ها و استانداردهای جهانی نظر داشته است. مارزلف^۲ (۱۳۷۱) بر اساس شیوه آرنه^۳ - تامسون^۴ قصه‌های شفاهی ایران را طبقه‌بندی کرد. در این کتاب قصه‌های ایرانی از منابع موجود شماره‌گذاری شدند و در انتها فهرستی از بن‌مایه‌های این داستان‌ها ارائه شد. باید توجه کرد که این فهرست که به‌عنوان بخشی کامل‌کننده به این کتاب افزوده شده است، لزوماً براساس طبقه‌بندی تامسون نیست؛ زیرا به شیوه الفبایی و تنها با آوردن یک موضوع خاص (مانند آب) به‌عنوان بن‌مایه اصلی یا کلیدی فهرست‌بندی شده است.

محققان بسیاری در سطح جهانی مطالعاتی دربارهٔ فهرست‌بندی بن‌مایه‌ها انجام داده‌اند، از جمله:

۱. تامسون (۱۹۵۵-۱۹۵۸): وی ویرایش نهایی اثری مرجع را دربارهٔ طبقه‌بندی بن‌مایه‌های قصه‌های عامه در شش جلد به پایان رسانده است. تامسون بن‌مایه‌های روایات عامه را در بسیاری از سنت‌های روایی دنیا جمع‌آوری کرد. البته این فهرست هنوز کامل نشده است و با هر پژوهشی در زمینهٔ بن‌مایه‌های روایات عامه در هر فرهنگ و کشوری، ضمیمه‌ای بدان افزوده می‌شود (ر.ک: منابع).

۲. کراس^۵ (۱۹۶۹): وی زیر نظر تامسون به فهرست‌کردن بن‌مایه‌های ادبیات کهن ایرلندی پرداخت. این کتاب از نخستین فهرست‌هایی است که طبق شیوهٔ تامسون و با نظارت او منتشر شده است (ر.ک: منابع پایانی).

۳. گری^۶ و الشامی^۷ (۲۰۰۵): این دو محقق کتابی مرجع را در روش‌شناسی شیوهٔ طبقه‌بندی تامسون، با گردآوری مقالاتی دربارهٔ انواع بن‌مایه‌ها و شرح و توصیف روش تامسون منتشر کردند (ر.ک: منابع پایانی). الشامی (۲۰۰۶) فهرست بن‌مایه‌های *هزارو یک‌شب*، کتابی از سنت روایی عرب، را در کتابی مستقل منتشر کرد. این کتاب یکی از آخرین فهرست‌هایی است که طبق شیوهٔ تامسون نوشته شده است و زمینهٔ مطالعات محتوایی را دربارهٔ *هزارو یک‌شب* فراهم می‌آورد (ر.ک: منابع پایانی).

۳. روش و ضرورت پژوهش

در این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به شیوهٔ تحلیل محتوا، بن‌مایه‌های داستان هفت‌خان رستم از طومار *هفت‌شکر* فهرست می‌شود تا چند ویژگی کوتاه سبکی طومارهای نقالی به دست آید.

توجه به انواع فهرست‌ها و طبقه‌بندی‌ها، پیش‌نیازی برای شرح و تفسیر قصه‌ها و دسترسی به ویژگی‌های سبکی متون به‌ویژه در زمینهٔ ادب عامه است که در حال حاضر کمتر مطالعهٔ علمی‌ای دربارهٔ آن‌ها صورت گرفته است. تدوین فهرستی ویژه که هم بتواند راهنمای مطالعات میدانی پژوهشگران آینده باشد و هم یاری‌گر محققانی باشد که به مطالعه و بررسی متون می‌پردازند، ضروری است.

اهمیت فراوان مجموعه‌های بزرگ قصه‌های شرقی مانند *سندبادنامه*، *کلیله و دمنه* و *یا هزارویک‌شب*، از دیرباز بر همگان آشکار است. از این‌ها گذشته، همه بر این واقعیت آگاهی کامل دارند که به موازات این تدوین‌های قدیمی قصه، باز روایاتی شفاهی هم وجود دارد که به‌عنوان بقایا یا انعکاس منابع کتبی ازدست‌رفته امروز می‌توانند دارای اهمیت باشند (مارزلف، ۱۳۷۱: ۱۲).

باتوجه به این سخن، اهمیت طبقه‌بندی داده‌های قصه‌های عامه، به‌ویژه قصه‌های شرقی آشکار می‌شود. در کشور ما، به مطالعات ادب عامه کمتر توجه و دقت شده است؛ در نتیجه بررسی و فهرست‌بندی بن‌مایه‌های برخی از متون ادبی، به‌غیر از اینکه می‌تواند راهگشای پژوهش‌هایی در زمینه شناخت و ماهیت فولکلور ایران باشد، به‌منزله متممی برای فهرست طبقه‌بندی بن‌مایه‌های تامسون به‌شمار می‌آید.

۴. طومارهای نقالی

طومارهای نقالی به‌عنوان سندی از سنت روایی-حماسی فارسی، سرشار از قصه‌هایی هستند که بر محور یک یا چند هسته حماسی گرد آمده‌اند. معمولاً روایات طومارها از داستان گیومرث آغاز می‌شوند و تا پایان شهریاری بهمن، پسر اسفندیار، ادامه می‌یابند. توجه به این متون که بنابر نظر برخی پژوهشگران، براساس اسلوب حماسه ایرانی شکل گرفته‌اند، نیز ضروری می‌نماید. به‌نظر امیدسالار (۱۳۸۰: ۳۵-۳۷) تعریف حماسه در ایران با تعریف آن در کشورهای غربی متفاوت است:

ما ملزم نیستیم که حماسه‌های خودمان را با معیارهای غربی تعریف کنیم و یا تصور کنیم که چون ارسطو در تعریف حماسه آن را منظوم خوانده است، پس تمام حماسه‌های ما هم بالاجبار باید منظوم باشند. یادمان باشد که تقریباً همه شاهنامه‌های پیش از فردوسی به‌استثنای قصیده مسعودی، منثور بوده‌اند. احتمالاً نوعی از حماسه که نثری بوده است مزین به کلام منظوم، قالب اصلی حماسه در زبان فارسی بوده که هم در ادب رسمی رواج داشته است و هم در ادب عامیانه و نوع عامیانه‌اش همان نقالی معروف است.

به گفته آیدنلو (۱۳۸۸: ۳۷-۳۸):

یکی از کهن‌ترین و مهم‌ترین شواهد نقل داستان‌های ملی - پهلوانی منشور در ایران دوره اسلامی، اشاره فردوسی به خواندن *شاهنامه* ابومنصوری در میان جمع و علاقه شنوندگان به آن است:

چون از دفتر این داستان‌ها بسی همی خواند خواننده بر هر کسی
جهان دل نهاده بر این داستان همان بخردان نیز و هم راستان

با اینکه نمی‌توان سنت داستان‌گزارى روزگار فردوسی را کاملاً و دقیقاً با نقالی در مفهوم اصطلاحی آن - یعنی برخاندن داستان‌های ملی-پهلوانی ایران، غالباً در محدوده زمانی آغاز کار گیومرت تا پایان شهریاری بهمن اسفندیار بر اساس حافظه یا منبعی مکتوب (طومار) و به نثر برای شنوندگان - سنجد و یکسان شمرد؛ ولی اگر از یک‌سو توجه داشته باشیم که خواننده *شاهنامه* ابومنصوری نیز همچون نقالان از روی متنی مکتوب و منشور در حضور مردم داستان می‌خوانده است و از سوی دیگر، احتمال دهیم که کار او فقط برخانی ساده متن کتاب نبوده و شاید - باز مانند نقالان - با حرکات سر و دست و تغییر آهنگ سخن بر لذت و هیجان داستان‌ها می‌افزوده است که به تعبیر فردوسی «جهان دل نهاده بدین داستان»، می‌توانیم نقل/خواندن *شاهنامه* ابومنصوری را قدیم‌ترین اشاره کلی به نقالی در ایران بدانیم. در این صورت پیشینه فن نقالی مقدم بر سرایش *شاهنامه* فردوسی خواهد بود.

با اینکه پژوهشگرانی مانند آیدنلو حدس می‌زنند که نقالی از دوره فردوسی و یا حتی قبل از او وجود داشته است، برخی محققان آغاز و رواج آن را از عصر صفویان و در قهوه‌خانه‌های اصفهان می‌دانند (دوستخواه، ۱۳۸۰: ۱۵۳؛ محجوب، ۱۳۸۷: ۱۰۹۶).
مآخذ اصلی طومارهای نقالی به‌عنوان اسنادی ارزشمند از ادب عامه-حماسی ایران بدین شرح است:

۱. *شاهنامه* (داستان‌های اصیل و الحاقی آن) و منظومه‌های پهلوانی پس از فردوسی؛
۲. پاره‌ای اشارات منابع تاریخی درباره موضوعات ملی و پهلوانی ایران؛
۳. اندوخته‌های ذهنی نقالان که خود آمیزه‌ای از خواننده‌ها و شنیده‌های آن‌ها با قوه خیال‌پردازی ایشان است؛
۴. طومارهای نقالان پیشین (آیدنلو، ۱۳۸۸: ۵۲).

۵. فهرست طبقه‌بندی بن‌مایه‌های قصه‌های عامه

هر شاخه‌ای از علم نیاز به بررسی و مطالعه ویژه دارد و فهرست‌کردن و طبقه‌بندی داده‌ها به این امر سهولت بیشتری می‌بخشد. استیث تامسون^۸ (۱۹۷۷: ۴۱۳) در این باره می‌گوید:

هر شاخه‌ای از علم قبل از اینکه موضوع جدی علمی به‌شمار آید، نیاز به طبقه‌بندی و فهرست‌شدن دارد. زمانی بود که زمین‌شناسی و گیاه‌شناسی فقط مجموعه‌هایی بدون ترتیب، بی‌هدف و باعجله ترتیب‌یافته از حقایق و تئوری‌ها بودند و تنها زمانی زمینه مطالعه علمی همه‌جانبه آن‌ها فراهم شد که طبقه‌بندی منظمی بر روی آن‌ها صورت گرفت.

طبقه‌بندی قصه‌های عامه نیز به دلیل گستردگی و تعدد منابع ضروری است. مطالعه این متون و دسترسی به محتوای قصه‌های گوناگون، به‌ویژه زمانی که بحث مطالعات سبکی و تطبیقی در میان است، بدون داشتن فهرستی منظم کاری تقریباً محال به‌نظر می‌رسد.

جمع‌آوری قصه‌های عامه در اروپا پیش از قرن هجدهم آغاز شده بود، سپس در قرن نوزدهم تلاش‌هایی برای طبقه‌بندی قصه‌ها صورت گرفت و طبقه‌بندی تیپ‌های قصه به طبقه‌بندی بن‌مایه‌ها منجر شد. در فنلاند طبقه‌بندی تیپ‌های قصه‌های شفاهی از پایان قرن نوزدهم آغاز شد؛ یعنی همان کشوری که توجه به ادب عامه در آن، توجه به هویت ملی تلقی می‌شد. جولوس کرون^۹ برای مقایسه روایت‌های گوناگون شعرهای حماسی «کالوالا»^{۱۰} روش تاریخی-جغرافیایی را به‌کار گرفت. وی روایت کالوالا را به قسمت‌های کوچک‌تر تقسیم کرد و براساس توزیع جغرافیایی به مطالعه آن‌ها پرداخت تا بدین‌وسیله مکان اولیه هر سروده را بیابد. پس از او پسرش، کارل کرون^{۱۱}، از این روش برای مطالعه قصه‌های عامه و بررسی‌های تطبیقی و تاریخی استفاده کرد. همچنین شاگردش، آنتی آرنه^{۱۲}، با این روش سیستمی را برای فهرست‌بندی قصه‌ها براساس تیپ آن‌ها، پایه‌گذاری کرد که بعدها استیث تامسون، مردم‌شناس آمریکایی، آن را گسترش داد. تامسون براساس همین نوع طبقه‌بندی بن‌مایه‌های ادب عامه را فهرست‌نویسی کرد. دلیل این کار به اعتراف خود وی این بود که «در حدود بیش از نیمی از تیپ‌های قصه در طبقه‌بندی قصه‌ها، تنها یک «بن‌مایه روایی» دارند» (داندس، ۱۹۹۷: ۱۹۷).

سبب اصلی فهرست کردن عناصر ادب عامه، حجم انبوه منابع مختلف داستان‌ها و روایات در سرتاسر دنیا بود. این شیوه به پژوهشگر کمک می‌کرد تا به مضمون‌های مختلف به شکل یک‌جا دسترسی داشته باشد و از واریسی تمام منابع عظیم روایات، بی‌نیاز باشد. افزون‌براین، جمع‌آوری یک‌جای مضمون‌ها، به بررسی و تحلیل متون یاری می‌رساند.

فهرست بن‌مایه‌های ادبیات عامیانه تامسون یک مرجع شش‌جلدی و مسلسل است؛ یعنی گروه‌های بزرگی از بن‌مایه‌ها (مثل پیدایش عالم یا حیوانات) به گروه‌های کوچک‌تر مثل (آسمان‌ها، زمین، حیوانات اسطوره‌ای و حیوانات جادویی) تقسیم‌بندی می‌شوند. آخرین نسخه این فهرست بیش از ده‌ها هزار بن‌مایه را دربرمی‌گیرد و هنوز هم در حال گسترش است.

در گسترش بن‌مایه‌ها، محققان باید تصمیم بگیرند که چه چیزی یک بن‌مایه یا گروهی از بن‌مایه‌ها و یا زیرگروه‌های بن‌مایه‌ای را می‌سازد. باومن^{۱۳} (۱۹۶۶: نوزده) در این‌باره مثالی را ذکر می‌کند:

بن‌مایه E384: روح به‌وسیله موسیقی احضار می‌شود، که این یک بن‌مایه کلی است و به دو زیرگروه تقسیم می‌شود: E384.1: روح به‌وسیله طبل احضار می‌شود؛ و E384.2: روح با سوت‌زدن برمی‌خیزد. از آن‌جایی که تنها تفاوت میان این دو بن‌مایه، نوع موسیقی است، به‌نظر می‌رسد که قصه اصلی احضار روح باشد به‌وسیله موسیقی و نیز چنین می‌نماید که نوع موسیقی - اگرچه در جای خود جالب‌توجه است - آن‌قدر تمایز برانگیز نباشد که قصه‌ای جداگانه بسازد. درحالی که بن‌مایه E384 یک قصه در زبان انگلیسی به‌شمار می‌رود، برای آن دو روایت موجود است که دو زیرگروه این بن‌مایه را شکل می‌دهند.

تامسون تلاش می‌کند تا در طبقه‌بندی خود، عناصر ادبیات روایی سنتی را در یک فهرست منطقی منفرد گردآوری کند. برخی عناصر که در جمع‌آوری بن‌مایه‌های گوناگون او را یاری رسانده‌اند، بدین شرح‌اند: ادب عامه و اسطوره، افسانه‌های محلی، رومانس‌های قرون وسطا، افسانه‌های مربوط به افراد مثالی و مقدسان، کتاب‌های لطیفه و رمان، افسانه‌های موزون، سروده‌های افسانه‌ای و گلچین‌های ادبی. این عناصر از حوزه‌های جغرافیایی مختلفی مانند اروپا، خاورمیانه، هند، خاور دور، اقیانوسیه،

سرخ‌پوستان آمریکای شمالی و جنوبی و آفریقا فراهم آمده است. تامسون در طبقه‌بندی و شماره‌گذاری کتب، از روش کتابخانه‌ای دیویی سود می‌جوید تا فهرستی از بن‌مایه‌ها فراهم آورد که در هر زمان و با هر پژوهشی بر روی قصه‌های ملل، قابل تعمیم باشد. وی پس از جمع‌آوری بن‌مایه‌ها، آن‌ها را در ۲۳ فصل به ترتیب حروف الفبای انگلیسی جای می‌دهد که به ترتیب به بن‌مایه‌های اسطوره‌ای، حیوانات، تابوها، جادو، مرگ، عجائب، دیوان و جادوگران، آزمون‌ها، خردمندی و بی‌خردی، اغوا و فریب‌کاری، طالع و سرنوشت، آینده و تقدیر، بخت و شانس، اجتماع، پاداش و کیفر، اسرا و تبعیدی‌ها، ظلم و ستم، زناشویی و ازدواج، زندگی، دین، ویژگی‌های شخصیت‌ها، طنز و فکاهه و جز این‌ها تقسیم می‌شوند. از آنجا که بن‌مایه‌های بسیاری در فصل‌های مختلف فهرست بن‌مایه‌ها با یکدیگر مرتبط هستند، ارتباط با ارجاع متقابل^{۱۴} و علامت «cf.» (ر.ک./ رجوع کنید) در متن نشان داده شده است.

۱-۵. بن‌مایه

در ادبیات عامه برای بن‌مایه تعاریف متعددی رواج دارد. محققان ادب عامه از واژه بن‌مایه/موتیف^{۱۵} برای عناصر داستانی تکرارشونده در طرح‌های داستانی روایات عامه استفاده می‌کنند (برای مثال، شخصیت‌های موجود، اهداف، اعمال و رویدادها). از این واحدهای محتوایی - که روایات منثور یا منظوم از آن‌ها یا از توالی آن‌ها شکل می‌گیرند - در پایان قرن بیستم برای مطالعات تطبیقی متون ادب عامه استفاده شده است. بنا بر نظر آپو^{۱۶} (۱۹۹۷: ۵۶۳)

استیث تامسون دامنه معنایی بن‌مایه/موتیف را گسترش داد. او توضیح داد که برخی بن‌مایه‌ها مانند «خلقت خورشید» می‌توانند مضمون/تم^{۱۷} اصلی را در روایت بسازند. اصطلاح بن‌مایه حتی می‌تواند به طرح روایی داستان هم اطلاق شود و یا واحدهای کوچک‌تر روایت مثل یک رویداد واحد یا چندین رویداد متوالی و یا حتی داستان‌های فرعی را دربرگیرد. برخی از این بن‌مایه‌ها ممکن است در طرح‌های داستانی گوناگونی ظهور یابند، مثلاً بن‌مایه «پرتاب موانع»، در قصه‌های مختلف به شکل‌های گوناگونی ظاهر می‌شود: وقتی قهرمان داستان در حال فرار

است، چیزی مثل شانه، سنگ یا بطری آبی را پشت سرش پرتاب می‌کند و این اشیا به طرز معجزه‌آسایی تبدیل به جنگلی انبوه، کوه و یا دریاچه‌ای می‌شوند که فرار او را امکان‌پذیر می‌سازند.

داندس^{۱۸} (۱۹۹۷: ۱۹۵) نیز می‌گوید: «تامسون بن‌مایه را کوچک‌ترین عنصر در قصه می‌داند که قدرت باقی‌ماندن در یک سنت روایی را دارد»؛ از این رو، بن‌مایه‌ها عناصری در قصه هستند که به مرور زمان و به دلیل تکرار، به جوهرهایی نمونه‌وار در ادب عامه تبدیل شده‌اند.

طبق نظر برخی پژوهشگران، بن‌مایه‌ها می‌توانند طرح داستانی یک روایت را نیز مشخص سازند. رابرت اسکولز (۱۳۸۳: ۱۱۶) طرح داستان را حاصل جمع بن‌مایه‌هایی می‌داند که به ترتیبی تنظیم می‌شوند تا عواطف خواننده را درگیر نگه دارند و درون‌مایه را بپرورند. او کارکرد زیبایی‌شناختی طرح را نیز وابسته به این می‌داند که توجه خواننده را به بن‌مایه‌ها جلب کند.

بن‌مایه‌ها بیشتر از داستانی به داستان دیگر و یا حتی از فرهنگی به فرهنگ دیگر منتقل می‌شوند و درست به همین دلیل، کمتر صورت ابداعی دارند. چه بسیاری بن‌مایه‌هایی که در فرهنگ‌های مختلف مشترک‌اند (پارسانسب، ۱۳۸۸: ۲۸)، از این رو، به سبب همین اشتراکات است که می‌توان فهرستی از بن‌مایه‌های داستانی در هر فرهنگ و هر سنت روایی ترتیب داد که در بیشتر موارد با بن‌مایه‌های جهانی همسو هستند و گاه نیز یک یا چند ویژگی خاص دارند که آن‌ها را از بن‌مایه‌های دیگر فرهنگ‌ها متمایز می‌سازد.

امروزه به مقوله بن‌مایه‌ها به‌عنوان اجزای تشکیل‌دهنده اسطوره، فولکلور و ادبیات بسیار توجه می‌شود. با مطالعه و طبقه‌بندی بن‌مایه‌ها می‌توان سیر تطور، تکامل، تأثیرپذیری و بقای بن‌مایه‌ها را فارغ از شکل ظاهری و ساختاری قصه‌ها و اسامی خاص در دوره‌های مختلف بررسی کرد و فهرست روشنی از بن‌مایه‌ها ارائه داد تا زمینه برای ریشه‌یابی آن‌ها آسان‌تر شود. الشامی (۲۰۰۶: ۶) می‌گوید:

تعریف بن‌مایه هرچه که باشد، این مقوله یک ابزار فهرست‌بندی است. بن‌مایه وسیله‌ای تحقیقاتی است که برای شناسایی و نیز جداکردن و مهارپذیرکردن

مصنوعی و هرچه بیشتر مؤلفه‌های سنتی فرهنگی به کار می‌رود تا هدف مطالعه آن‌ها را به شکلی اختصاصی و با ساختاری معنادار برآورده سازد.

۲-۵. فهرست بن‌مایه‌های داستان هفت‌خان رستم در طومار هفت‌لشکر

برای تبیین روش فهرست‌کردن بن‌مایه‌ها و بیان غنای فرهنگ و ادب ایرانی در افزودن بن‌مایه‌های روایی تازه به فهرست جهانی، به برخی از بن‌مایه‌های داستان هفت‌خان رستم از طومار نقالی هفت‌لشکر اشاره می‌شود. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، این است که فهرست تامسون فهرستی بین‌المللی است که با حروف الفبا و اعداد لاتین شماره‌گذاری شده است و از آن‌جا که هر فهرستی که در هر سرزمینی تهیه می‌شود باید به‌مثابه ضمیمه‌ای بر این فهرست تلقی شود، الفبا و اعداد شماره‌گذاری شده آن را تغییر نمی‌دهیم. هم‌چنین برخی از بن‌مایه‌ها با علامت ستاره (*) مشخص شده‌اند، این بن‌مایه‌ها در فهرست تامسون نیستند؛ زیرا اساس فهرست بر این است که هرگاه بن‌مایه جدیدی پیدا شد آن را با علامت ستاره مشخص سازند و به اصل فهرست بیفزایند. پیداشدن بن‌مایه‌های نو در این پاره داستانی، بیانگر آن است که قصه‌های ایرانی توانی بالقوه در افزودن بسیاری از بن‌مایه‌های نو به فهرست جهانی دارند و می‌توانند سبب غنای آن گردند. از سوی دیگر، هر بن‌مایه‌ای که با بن‌مایه دیگری مرتبط است با علامت «ر.ک.» معرفی می‌شود تا پژوهشگر بتواند همه بن‌مایه‌های مربوط به یک موضوع را در کنار هم ببیند. صفحات ارائه‌شده در پایان هر بن‌مایه نیز ارجاعی است به صفحات طومار نقالی هفت‌لشکر، تا دسترسی به منبع اصلی آسان شود. گفتنی است فهرست تامسون از بن‌مایه‌هایی مربوط به آفرینش و اساطیر مرتبط با آن آغاز می‌گردد؛ اما از آن‌جا که متون طوماری، متن‌هایی حماسی به‌شمار می‌آیند و به اسطوره‌ها نمی‌پردازند، این فهرست از حرف B که مربوط به حیوانات است، آغاز می‌شود.

B: حیوانات

B25.1.2: مردمی با سر سگ‌مانند؛ سگساران (سگساران در خان هفتم رستم).
(هفت‌لشکر، ۱۷۱) (ر.ک. *F511.0.9.4).

بن‌مایه‌های فولکلوریک در طومارهای نقالان _____ فرخ حاجیانی و همکاران

- 1-301.5.1*B: اسب وفادار پهلوان، او را بیدار می‌کند تا با جادوگری که به شکل
اژدها درآمده است، مبارزه کند (هفت‌لشکر، ۱۶۶) (ر.ک. H1233.6.1.2*).
- 9-301*B: اسب وفادار شیری درنده را که قصد حمله به پهلوان خفته دارد،
می‌کشد (هفت‌لشکر، ۱۶۵) (ر.ک. H1233.6.1.1*).
- 4-301*B: رفتار با حیوان یاریگر؛ پهلوان با اسب وفادارش عتاب می‌کند که چرا او را
بیدار نکرده است تا خودش شیر درنده را بکشد (هفت‌لشکر، ۱۶۵)
- 5-301*B: رفتار با حیوان یاریگر؛ پهلوان هر دو چشم اسب وفادارش را می‌بوسد که
او را از وجود اژدها آگاه کرده است (همان، ۱۶۶).

D: جادو

- 3-25.1*D: دگرسانی زن زشت (جادوگر) به زنی زیبا (با جادو) (همان، ۱۶۴) (ر.ک.
D1860.0.2*).
- 1-199.2.1*D: جادوگر به‌مثابه اژدهایی مبارزه می‌کند (خان چهارم رستم) (هفت‌لشکر،
۱۶۶).
- 5-1500.1.7.3.3*D: خون جگر دیو درمان ناینایی ناشی از سحر دیوان است
(هفت‌لشکر، ۱۷۱، ۱۷۳) (ر.ک. D2161.3.1.2*، D1505.8.2*).
- 2-1505.8.2*D: خون جگر دیو بینایی را باز می‌گرداند (هفت‌لشکر، ۱۷۱، ۱۷۳) (ر.ک.
D2161.3.1.2*، D1500.1.7.3.5*).
- 2-1860.0.2*D: زیبایی جادویی جادوگر (هفت‌لشکر، ۱۶۴) (ر.ک. D25.3*).
- 7-1981.7*D: ناپدید شدن جادویی جادوگر (هفت‌لشکر، ۱۶۶) (ر.ک. G224.12.1*).
- 2-2161.3.1.2*D: ناینایی به‌وجود آمده در اثر سحر، با خون جگر دیو درمان
می‌شود (هفت‌لشکر، ۱۷۱، ۱۷۳) (ر.ک. D1505.8.2*، D1500.1.7.3.5*).

F: عجایب

- 4-511.0.9.4*F: افرادی با سر سگ‌مانند؛ سگساران در خان هفتم رستم (هفت‌لشکر، ۱۷۱)
(ر.ک. B25.1.2).
- 2-517.0.2*F: مردمی با پاهای دراز؛ دوالپایان، خان هفتم رستم (هفت‌لشکر، ۱۷۱).

- ۲- F542.2: گوش‌های بزرگ؛ یکی به‌عنوان روان‌داز و دیگری زیرانداز استفاده می‌شود؛ گلیم‌گوشان در خان هفتم رستم (همانجا).
- ۱۰- F614.10: حمله یک‌تنه پهلوان به سپاه دشمن. رستم یک‌تنه سپاه اولاد را در خان پنجم درهم می‌شکند (همان، ۱۶۷).
- ۱۳- F614.13: کارها و زحمات پهلوان؛ سفر پهلوان به سرزمین دیوان برای نجات شاه و سردارانش و عبور دشوار از هفت‌خان (همان، ۱۶۴-۱۷۴).
- ۲- F617.2: پهلوان با دیو کشتی می‌گیرد و پس از یک ساعت مبارزه او را می‌کشد (همان، ۱۷۰).
- ۱- F621.0.1: برکندن درختی عظیم به دست پهلوان و انداختن آن میان جادوان و دیوان و کشتن چهل‌تن از آنان (همان، ۱۷۵).
- ۲- F624.2: پهلوان سنگ عظیم را یک‌تنه برمی‌دارد (سنگی که بر سر چاه زندان پادشاه و سردارانش است) (همان، ۱۷۱).
- ۲- F628.1.0.2: پهلوان دیو را به قتل می‌رساند (همان، ۱۷۰، ۱۷۳).
- ۱- F628.1.0.2.1: پهلوان دیو را به قتل می‌رساند و جگر او را بیرون می‌کشد (همان، ۱۷۳).
- ۳- F628.1.0.3: پهلوان یک‌تنه دیوان را به قتل می‌رساند (کشتن هر دیو به یک ضرب) (همان، ۱۶۹، ۱۷۰-۱۷۱).
- ۱- F628.2.6.1: پهلوان بسیاری را با عمود خویش می‌کشد (همان، ۱۶۷).
- ۲- F628.2.6.2: پهلوان بسیاری را با شمشیر خویش می‌کشد (همانجا).
- ۵- F688.5: نعره مردانه پهلوان از یک فرسنگ راه شنیده می‌شود (همان، ۱۶۹).
- ۹- F759.9: کوه اعجاب‌انگیز؛ دو کوه سر بر هم نهاده که اندرونشان تاریک است و صدای عجیب و غریب از آن‌ها می‌آید (همان، ۱۶۴).
- ۳- F818.3: باغ اعجاب‌انگیز؛ باغی جادویی که در آن همیشه سفره‌ای از انواع خوراکی‌ها و می‌ناب آماده است (همانجا).
- ۴- F824: زره اعجاب‌انگیز؛ ببر بیان رستم (همانجا).
- ۸- F839.8: سلاح‌های اعجاب‌انگیز اجدادی؛ شمشیر و سپر و خنجر دوهزارمنی (همان، ۱۶۴-۱۶۵، ۱۷۲) و نیز عمود اجدادی (همان، ۱۶۷).

بن‌مایه‌های فولکلوریک در طومارهای نقالان _____ فرخ حاجبانی و همکاران

9-F839.*: کمند شگفت‌انگیز؛ کمندی که پهلوان (سام) از پشت دیو (نهنگال) کشیده است (همانجا).

10-F839.*: سلاح اعجاب‌انگیز دیوان؛ دار شمشادی که چندین آسیاسنگ بر آن تعبیه شده است (همان، ۱۶۹، ۱۷۲-۱۷۳).

2-F868.*: زین اعجاب‌انگیز؛ زین خدنگ و غاشیۀ پوست پلنگ رخس (همان، ۱۶۴).

G: دیوان و جادوگران

16-G11: لشکری از دیوان آدم‌خوار (همانجا).

1-G112.*: سرزمین دیوان حاصل‌خیز است (همان، ۱۶۳).

1-G224.12: خواندن ورد نیروی ناپدیدشدن را به جادوگر می‌دهد (همان، ۱۶۶).
(ر.ک. *D1981.7).

7-G237.*: جایگاه جادوگر، باغی است (هفت‌لشکر، ۱۶۴).

1-G271.2.3.1.*: چهره زن جادوگر با شنیدن نام خدا به شکل اولیه‌اش تغییر می‌یابد (همان، ۱۶۵).

8-G275: پهلوان جادوگر را می‌کشد (همان، ۱۶۴-۱۶۵).

1-G302.2.1: قلمرو پادشاهی دیوان (مازندران) (همان، ۱۶۳).

6-G302.4: هیکل عجیب دیو؛ از فرق سر تا پاشنه پای دیو ۲۵۰ عرج (ارش) است. شاخ‌هایش قلاج‌قلاج از کاسه سرش به‌در رفته‌اند و سر تا پایش مثل شیر سفید است با خال‌های رنگارنگ بر آن (همان، ۱۷۲).

7-G302.4: نفس دیو؛ دودی است که از کوه بلند می‌شود و بلندی صدای آن گویی صد کرناست که در کوه می‌دمند (هفت‌لشکر، ۱۷۱-۱۷۲).

8-G302.4: پرواز دیوان؛ دیوان تنوره‌زنان بر فلک بلند می‌شوند (هفت‌لشکر، ۱۷۲).

9-G302.4: دیو هفت روز در خواب است و هفت روز بیدار (همان، ۱۷۱).

10-G302.9: اعمال دیوان؛ سنگ‌باران کردن سپاه پادشاه (همان، ۱۶۴).

11-G302.9: اعمال دیوان؛ نابینا کردن پادشاه و سپاهش به علم سحر (همانجا).

12-G302.9: اعمال دیوان؛ کشتن صدهزار کس و مزه شراب کردن آن‌ها (همانجا).

(ر.ک. G11.16).

G302.9.13*: اعمال دیوان؛ دربند کشیدن شاه و ۱۲۰۰ گرد گردنکش (هفت‌لشکر، ۱۶۴).

G302.9.14*: اعمال دیوان؛ تاراج کردن گنج و خزانه شاه (همانجا).

G302.9.15*: اعمال دیوان؛ دیو نگهبان چاه زندانیان (همانجا).

G302.10*: مکان دیوان.

G302.10.1*: کوه، مکان دیوان (هفت‌لشکر، ۱۶۸).

G303.3.2.4: دیوان به شکل و چهره‌های متفاوت از جمله اژدها ظاهر می‌شوند

(برای ترساندن پهلوان) (همان، ۱۷۴).

G422.2*: دیوان قربانی‌های خود را در چاهی زندانی می‌کنند (همان، ۱۶۴).

H: آزمون‌ها

H1233.6.1.1*: اسب یاریگر پهلوان، شیری را که قصد حمله به پهلوان خفته دارد،

می‌کشد (همان، ۱۶۵) (ر.ک. B301.9*).

H1233.6.1.2*: اسب پهلوان، او را بیدار می‌کند تا با جادوگری که به شکل اژدها

درآمده است، بجنگد (هفت‌لشکر، ۱۶۶) (ر.ک. B301.5.1*).

M: آینده و تقدیر

M5*: تصمیم غیرمنطقی پادشاه برای لشکرکشی به سرزمین دیوان (مازندران)

(هفت‌لشکر، ۱۶۳) (ر.ک. P15.10*).

M202.3*: قهرمان قسم می‌خورد که دشمنش را پادشاه گرداند اگر به او راست

بگوید (هفت‌لشکر، ۱۶۷).

N: بخت و شانس

N774.3.3*: ماجراهایی که در پی دنبال کردن حیوانی (که جادویی نیست) رخ می‌دهد:

قهرمان تشنه در بیابانی تافته به دنبال شکاری می‌رود که به اذن خدا آن شکار قهرمان را

به چشمه‌آبی خرم هدایت می‌کند (همان، ۱۶۶).

P: اجتماع

- 10.P15*: پادشاه به نصیحت سرداران گوش نمی‌دهد و متأثر از داستانِ نوازنده‌ای به سرزمین دیوان، لشکر می‌کشد (همان، ۱۶۳-۱۶۴) (ر.ک. *M5).
- 2.P428*: شغل، نقال و داستان‌سرا (هفت‌لشکر، ۱۶۳).
- 1.P548*: نامه فرستادن پادشاه به شاه مغلوب برای به اطاعت درآوردنش و بیعت با او، و اگر چنین نکند، سرزمینش زیروزیر می‌گردد (همان، ۱۷۴).
- 10.P551*: جنگ دو سپاه آدمی و دیوان (همان، ۱۷۵).

Q: پاداش و کیفر

- 1.1.Q263*: مجازات مرگ برای نگفتن حقیقت (همان، ۱۶۷).

R: اسرا و تبعیدی‌ها

- 5.R: اسیرساختن دشمن در میدان نبرد (همان، ۱۷۵).

T: زناشویی و ازدواج

- 1.T68: ازدواج با شاهزاده‌خانم هدیه نجات‌دهنده است (ازدواج رستم با گل‌اندام بانو، خواهر کی‌قباد) (همان، ۱۷۶).
- 1.0.T160*: فرجام ازدواج با بسته‌شدن نطفه پهلوان (پهلوان‌بانو) پس از ازدواج پهلوان با شاهزاده‌خانم (همانجا).

V: دین

- 3.V52: نیایش قبل از نبرد سبب پیروزی می‌شود (همان، ۱۷۲-۱۷۳).
- 18.V52*: دعاکردن پهلوان برای نجات یافتن (همان، ۱۶۴، ۱۷۰).

W: ویژگی‌های شخصیت‌ها

- 3.W33*: پهلوان دیو خفته را نمی‌کشد، بلکه او را بیدار می‌کند سپس با او نبرد می‌کند (همان، ۱۷۲).

W37.4*: پهلوان به قولش عمل می‌کند و یاریگرش را پادشاه می‌گرداند (همان، ۱۷۶).

۶. بررسی چند ویژگی سبکی در داستان هفت خان

با بررسی بن‌مایه‌های داستانی کوتاه هفت‌خان رستم از طومار بلند *هفت‌لشکر*، می‌توان به چند ویژگی سبکی در زمینه روند به‌وجود آمدن بن‌مایه‌ها - که همچنان در روایات عامه حماسی تکرار می‌شوند - پی‌برد.

۱. مضمون‌هایی مانند کشتن دیوان و جادوگران و انواع سلاح‌های جنگی - که همواره از عناصر داستان‌های حماسی هستند - و موضوعات اعتقادی - که همواره عامه مردم به آن توجه کرده‌اند - مثل نقش نیایش و دعا در پیروزی پهلوان، بن‌مایه‌هایی هستند که بارها در این ده صفحه داستان (ص ۱۶۴ - ۱۷۴) آمده‌اند:

F628.1.0.2*: پهلوان دیو را به قتل می‌رساند (همان، ۱۷۰، ۱۷۳: تکرار در دو صفحه).

F628.1.0.3*: پهلوان یک‌تنه دیوان را به قتل می‌رساند (کشتن هر دیو به یک

ضرب) (همان، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱: تکرار در سه صفحه).

F839.8*: سلاح‌های اعجاب‌انگیز اجدادی؛ شمشیر و سپر و خنجر دوهزارمنی

(همان، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۲)، نیز عمود اجدادی (همان، ۱۶۷) (تکرار در چهار صفحه).

F839.10*: سلاح اعجاب‌انگیز دیوان؛ دار شمشادی که چندین آسیاسنگ بر آن

تعبیه شده است (همان، ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۳: تکرار در سه صفحه).

G275.8: پهلوان جادوگر را می‌کشد (همان، ۱۶۴ - ۱۶۵: تکرار در دو صفحه).

G302.4.7*: نفس دیو؛ دودی است که از کوه بلند می‌شود و بلندی صدای آن

گویی صد کرناست که در کوه می‌دمند (همان، ۱۷۱، ۱۷۲: تکرار در دو صفحه).

V52.3: نیایش قبل از نبرد سبب پیروزی می‌شود (هفت‌لشکر، ۱۷۲، ۱۷۳: تکرار در دو

صفحه).

V52.18*: دعاکردن پهلوان برای نجات یافتن (همان، ۱۶۴، ۱۷۰: تکرار در دو صفحه).

۲. بیشترین بن‌مایه‌ها از مجموع ۷۸ بن‌مایه‌ای که طبق فهرست جهانی فهرست

شده‌اند، به سه فصل فهرست تعلق دارند. ۲۱ بن‌مایه در فصل عجایب حضور دارند، ۲۱

بن‌مایه در فصل دیوان و جادوگران و ۷ بن‌مایه در فصل جادو. این موضوع فراوانی مضمون‌های عامه‌پسندی را که سبب کشش و جذابیت داستان‌های عامه می‌شود، در طومارهای نقالی آشکار می‌سازد. از سویی دیگر، همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بسامد بن‌مایه‌های مکرر، در فصول عجایب و دیوان و جادوگران بالاتر از دیگر فصول است. ۳. یافتن ۵۷ بن‌مایه نو در این داستان کوتاه از یک طومار عظیم، غنای ادبیات عامه ایران را در افزودن مضمون‌های نو به فهرست‌های جهانی آشکار می‌سازد.

نتیجه‌گیری

گسترده‌گی و حجم انبوه قصه‌ها و روایت‌ها در طومارهای نقالی، نیاز به طبقه‌بندی و فهرست‌شدن دارد؛ فهرستی که بتواند انبوه بن‌مایه‌ها را در کتابی ویژه و مرجع گردآوری کند تا بدین‌وسیله مطالعه، تحقیق و بررسی مواد خام این قصه‌ها آسان‌تر شود و مطالعه تطبیقی آن‌ها با نمونه‌های مشابه در جهان امکان‌پذیر گردد.

فهرست طبقه‌بندی بن‌مایه‌های داستان‌های عامه، یکی از فهرست‌های عظیم جهانی است که استیث تامسون بنیانگذار آن است. این شیوه کمتر شناخته‌شده در ایران، می‌تواند قصه‌های عامه فارسی، به‌ویژه روایت‌های طومارهای نقالی، را سامان ببخشد تا هم به‌عنوان ضمیمه‌ای، به فهرست جهانی بن‌مایه‌ها افزوده شود و هم به روشن‌شدن بخش‌های مبهم سنت حماسی ایران کمک کند.

شیوه فهرست‌کردن بن‌مایه‌های تامسون کاملاً بر روایات عامه ایرانی منطبق است و از این راه می‌توان بن‌مایه‌های تازه‌ای را به فهرست جهانی افزود. بدین شیوه می‌توان مطالعه انتقادی متون طومارها را با آن حجم انبوه آسان‌تر ساخت.

امید است که داده‌های اولیه این پژوهش آغازگر راهی تازه برای پژوهشگران عرصه ادبیات عامه فارسی باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. Huyse
2. Marzolph
3. Aarne
4. Thompson

5. Cross
6. Garry
7. El-Shamy
8. Stith Thompson
9. Julius Krohn
10. Kalevala
11. Kaarle Krohn
12. Antti Aarne
13. Baughman
14. cross-reference
15. Motif
16. Apo
17. Theme
18. Dundes

منابع

- آیدنلو، سجاد (۱۳۸۸). «مقدمه‌ای بر نقالی در ایران». *پژوهش‌نامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)*. س ۲. ش ۴. صص ۳۵-۶۴.
- ابن‌ندیم، محمدبن‌اسحاق (۱۳۸۱). *الفهرست*. ترجمه محمدرضا تجدد. چ ۱. تهران: اساطیر/ مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها.
- اسکولز، رابرت (۱۳۸۳). *درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات*. ترجمه فرزانه طاهری. چ ۲. تهران: آگاه.
- امیدسالار، محمود (۱۳۸۹). «علی‌نامه، شاهنامه و نقدی بر ساختارهای ایدئولوژیک در مطالعات حماسی». *آینه میراث*. دوره جدید. س ۸. ش ۲۰ (ضمیمه). صص ۳۵-۵۶.
- پارسانسب، محمد (۱۳۸۸). «بن‌مایه: تعاریف، گونه‌ها، کارکردها و ...». *نقد ادبی*. س ۱. ش ۵. صص ۷-۴۰.
- خالقی‌مطلق، جلال (۱۳۸۶). «از شاهنامه تا خدای‌نامه». *نامه ایران باستان*. س ۷. ش ۱-۲. صص ۳-۱۱۹.
- دوستخواه، جلیل (۱۳۸۰). *حماسه ایران: یادمانی از فراسوی هزاره‌ها*. چ ۱. تهران: آگه.
- *طومار نقالی شاهنامه* (۱۳۹۱). مقدمه، ویرایش و توضیحات سجاد آیدنلو. چ ۱. تهران: به‌نگار.
- مارزلف، اولریش (۱۳۷۱). *طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی*. ترجمه کیکاووس جهاناداری. چ ۱. تهران: سروش.

- محبوب، محمدجعفر (۱۳۸۷). *ادبیات عامیانه ایران*. به‌کوشش حسن ذوالفقاری. ج ۱-۲. چ ۴. تهران: چشمه.
- *هفت‌لشکر (طومار جامع نقالان)* (۱۳۷۷). مقدمه، تصحیح و توضیح مهران افشاری و مهدی مدائنی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- Apo, Satu (1997). «Motif». *Folklore: An Encyclopedia*. Ed. Thomas Green. Santabarbara. CA: ABC-CLIO Inc. pp. 563-565.
- Baughman, Ernest Warren (1966). *Type and Motif-Index of Folktales of England and North America*. Hague: Mouton and Co.
- Cross, Tom Peete. (1969). *Motif-Index of Early Irish Literature*. Bloomington: Indiana University Press.
- Dundes, Alan (1997). «The Motif-Index and the Tale Type Index: A Critique». *Journal of Folklore Research*. vol.XXXI. No. 3. pp. 195-202.
- El-shamy, Hasan M. (2006). *A Motif Index of Thousands and One Nights*. Bloomington: Indiana University Press.
- Garry, Jane and Hasan M. El-Shamy (2005). *Archetypes and Motifs in folklore and literature: a handbook*. New York: M.E. Sharpe, Inc.
- Huyse, Philip (2008). «Late Sasanian Society Between Orality and Literacy». *The Sasanian Era*. Vol. III. Eds. Vesta Sarkhosh Curtis and Sarah Stewart.. London: I.B.Tauris. pp. 140-155.
- Thompson, Stith (1977). *The folktale*. Berkeley: University of California Press.
- ----- (1955-1958). *Motif-index of Folk-literature: a Classification of Narrative Elements in Folktales, Ballads, Myths, Fables, Mediaeval Romances, Exempla, Fabliaux, Jest-books, and Local Legends*. Eds. Revised and Enlarged. vol. VI. Bloomington and Indianapolis: Indiana University Press.
- Yamamoto, Kumiko (2010). «Naqqāli: Professional Iranian Storytelling». *Oral Literature of Iranian languages*. Eds. Philip G. Kreyenbroek and Ulrich Marzolph. London/ New York: I.B.Tauris and Co Ltd. pp. 240-257.

